

بررسی رخدادهای ماه مبارک رمضان ۱۳۵۷ و تأثیر آن در روند پیروزی انقلاب اسلامی

علی جدیدی^۱ و سید حکمت الله هاشمی پور^۲ و احمد لعبت فرد^۳ و طاهره ظفری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵

چکیده: ماه مبارک رمضان از ماه‌های یگانه و با ظرفیت فراوان برای بهره‌برداری و فرصتی برای شتاب بخشیدن به نیروها و چرخ‌های پرتوان انقلاب اسلامی بود. بهره‌گیری از ظرفیت‌های این ماه روند انقلاب را وارد مرحله تازه‌ای کرد. رضانی که با آغاز آن، حرکت انقلاب روندی تازه و شتابی افزون‌تر یافت و از روز بیست و یکم، به شکلی منسجم سراسر کشور را فرا گرفت. در روز عیدفطر اولین راهپیمایی گسترده علیه رژیم رخ داد. با آنکه ماه مبارک رمضان نقش یگانه‌ای در فرایند انقلاب اسلامی ایران داشت، چندان مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته است. این پژوهش با استفاده از روش پژوهش‌های تاریخی، مبتنی بر اسناد و مدارک آرشیوی، بر آن است تا به تشریح و تبیین این موضوع و تأثیر آن بر روند پیروزی انقلاب اسلامی بپردازد. با توجه به یافته‌های پژوهش، ماه مبارک رمضان سرآغاز فصل جدیدی در تاریخ مبارزات مردم در روند پیروزی انقلاب اسلامی است. راهپیمایی و تظاهرات روز شانزدهم شهریور و رخداد هفده شهریور، از مهمترین پیامدهای رمضان ۵۷ (مرداد و شهریور) است.

واژگان اصلی: ماه مبارک رمضان، انقلاب اسلامی، مبارزات مردمی، رژیم طاغوت.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد انار، دانشگاه آزاد اسلامی، انار، ایران.

۲. عضو هیأت علمی گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، یاسوج، ایران.

۳. دانش آموخته دکتری تاریخ و مدرس گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)

alobafard@gmail.com

۴. کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

مقدمه

فضای رویدادهای انقلاب اسلامی در ایران به نحوی است که نمی‌توانیم یک عامل را به عنوان عامل اساسی در پیروزی انقلاب در نظر بگیریم؛ چراکه مجموعه‌ای از عوامل گوناگون در آن تأثیرگذار بوده‌اند. بی‌گمان رویدادهای ماه مبارک رمضان ۵۷، یکی از عوامل تأثیرگذار در روند پیروزی انقلاب و سرآغازی برای رخدادهای پس از آن است. این رویدادها روند انقلاب را شتاب بخشید و گامی مهم در راه پیروزی شد. با آغاز ماه مبارک رمضان از پانزدهم مرداد، حرکت انقلاب روندی تازه یافت. این ماه فرصتی فراهم آورد تا نیروها و چرخ‌های پرتوان انقلاب پس از یک دوره کوتاه خاموشی، بار دیگر به حرکت درآید و رژیم را غافلگیر کند. رژیم دریافت که آرامش ماه‌های پیش از رمضان، مقدمه خیزشی همگانی و فراگیر بوده است. نهضتی که از دی ماه ۱۳۵۶، شکل تازه‌ای به خود گرفت و از اواسط تابستان ۱۳۵۷ و تقارن آن با ماه مبارک رمضان، به‌ویژه پس از بیست و یکم رمضان، به شکل فزاینده‌ای سراسر کشور را فرا گرفت.

با آنکه ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۷، نقش شایان توجهی در روند پیروزی انقلاب اسلامی داشت، با گذشت چهار دهه از انقلاب، کمتر به آن پرداخته شده است. هدف این پژوهش، بررسی رخداد‌های رمضان ۵۷ و تأثیر آن در روند پیروزی انقلاب اسلامی است. این جستار، با بهره‌گیری از روش تاریخی و با منابع اسنادی و مطبوعات آن دوره، به بررسی تأثیر ماه مبارک رمضان و پیامدهای آن بر روند پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد. پرسش پژوهش این است که رویدادهای ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۷، چه پیامدها و چه تأثیری بر روند پیروزی انقلاب اسلامی داشته است؟ گمان ما بر این است که این رویدادها سبب آغاز فراخوان‌های عمومی و راهپیمایی بر ضد رژیم و رخداد هفده شهریور شد و فروپاشی آن را شتاب بخشید. در بررسی پیشینه، پژوهش‌های اندکی دیده شد. رحیم نیکبخت در مقاله «رمضان ۵۷ و مسجد قبا»، به فعالیت‌های شهید مفتاح و مسجد قبا در نماز عیدفطر و رویدادهای پس از آن پرداخته است. «ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران و شرحی از هفده شهریور» نوشته یحیی نوری است که با توجه به نقش نویسنده در مجتمع اسلامی فاطمیه (س) و رویدادهای عیدفطر و پس از آن، ارزشمند است. در این پژوهش کوشیده‌ایم تا با استفاده از اسناد و روزنامه‌های اطلاعات، کیهان و رستاخیز، در دوره زمانی مورد بررسی را واکاوی کنیم.

رمضان سال ۱۳۵۷

آغاز ماه مبارک رمضان، همزمان با ۱۵ مرداد ۱۳۵۷ بود. با آغاز این ماه، امام خمینی^(ره) اعلامیه‌های بسیاری از نجف برای تشدید فعالیت مذهبیون فرستادند. اعلامیه‌ها به تهبیح روحانیون برای مبارزه با رژیم در مقیاسی گسترده در مساجد و دیگر مراکز مذهبی انجامید (ساواک و روحانیت، ۱۳۷۱: ۲۴۶). پیام هشت ماده‌ای امام، برای تعیین تکلیف گروه‌های مبارز به‌ویژه سخنرانان بود. امام، وظیفه اصلی و عاظ در سراسر کشور را افشای ماهیت ضد مردمی و ضد اسلامی رژیم و دعوت مردم به اصول اسلامی ذکر نمودند (مدنی، ۱۳۶۱: ۴-۲۵۳). در بخشی از این پیام که «نخستین منشور انقلاب» لقب گرفته (ملایی، ۱۳۷۷: ۲۷۱)، آمده است:

«گویندگان محترم در مجامع و مساجد وظیفه دارند که مصایب وارده بر ملت را در این پنجاه سال سلطنت سیاه پهلوی، خصوصاً در این چند ماه اخیر و کشتار اخیر شهر مقدس مشهد در جوار حضرت ثامن‌الائمه^(ع) و رفسنجان، به سمع مردم برسانند و آنان را از مسایلی که مفید برای اسلام و مصالح مسلمین است آگاه گردانند و از مطالبی که موجب سردی و سستی است احتراز کنند که عذر در درگاه خدای متعال و پیش ملت مسلم پذیرفته نیست» (امام خمینی^(ره)، ۱۳۷۹، ج ۳: ۴۳۱).

ماهیت نهضت مردم، جنبه مذهبی داشت. بنابراین ماه رمضان که کارایی فراوانی برای بهره‌برداری داشت و مجموعه سخنرانی‌هایی که توسط روحانیت در این ماه ایراد می‌شد، رژیم را نگران کرد. اسناد نشان می‌دهد که سخنرانی‌ها در این ماه اوج گرفته و دستگیری‌ها بیشتر شد (بهبودی، ۱۳۸۴: ۱۸). همزمان رخدادهایی سبب نارضایتی افکار عمومی و راهپیمایی گسترده بر علیه رژیم و رخداد هفده شهریور شد. پنجم رمضان، در مسجد تاریخی اتابک شیراز و پنجم و ششم رمضان (۱۹ و ۲۰ مرداد)، در اصفهان، درگیری‌های شدید شد. کنترل اوضاع شهر اصفهان از دست مأموران رژیم خارج و نخستین بار پس از واقعه پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، در اصفهان حکومت نظامی اعلام شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳، ج ۳: ۲۱۰). به دنبال آن، در هشتم رمضان (بیست و دوم مرداد)، شهرهای نجف‌آباد، همایون‌شهر و شهرضا به دلیل برپایی مجالس سخنرانی تعطیل شدند (شکری، ۱۳۸۹: ۲۸۹). اگرچه قیام ۱۹ دی قم و ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، در تبریز، نخستین جلوه عصیان عمومی و فریاد رسا پس از سال‌ها سکوت و اختناق بود، اما به مانند رخدادهای آتش‌سوزی سینما رکس آبادان (چهاردهم

رمضان)، نماز عیدفطر (سیزدهم شهریور)، تظاهرات شانزدهم شهریور و سرانجام جمعه سیاه، در آن بُعد و مقیاسی نبودند که نویددهنده آغاز حرکتی جدید و نهضتی عام باشند. رخداد‌های چهارگانه‌ای که هر کدام مهم و قابل تأمل هستند (پرهام، ۱۳۵۷: ۲۳). رویدادهایی که متأثر از ماه مبارک رمضان سبب تحرک و پویایی در روند انقلاب شدند.

۱- آتش‌سوزی سینما رکس آبادان

در چهاردهم رمضان سال ۱۳۵۷، همزمان با سالروز بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲ و در ساعت بیست و دو روز شنبه، آتش‌سوزی سینما رکس آبادان به‌گونه مشکوکی رخ داد. سینما در منطقه کارگرنشین واقع بود. صدها نفر مشغول تماشای فیلم گوزن‌ها بودند. آن‌ها وقتی برای فرار از آتش با درهای بسته روبه‌رو شدند، به طرز فجیعی در شعله‌های آتش سوختند (شکری، ۱۳۸۹: ۲۰۶). از هفتصد نفری که در سالن سینما بودند، تنها صد نفر توانستند خود را از مهلکه نجات دهند و ششصد نفر دیگر در آتش سوختند. از این عده، ۳۷۷ نفر جان خود را از دست دادند و بیشتر آن‌ها یا زیر دست و پا ماندند، یا بر اثر دودزدگی خفه شدند (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۶۹۱، ۵۷/۵/۲۹: ۴). دولت، روحانیون تندرو را مسئول این آتش‌سوزی و مخالفان دولت را معرفی می‌کردند. روزنامه اطلاعات در تیتر با عنوان «سینما رکس گوشه‌ای از وحشت بزرگ است»، به این موضوع پرداخت. وحشت بزرگ اشاره به سخنان شاه داشت: «ما به سوی تمدن بزرگ می‌رویم و آن‌ها که اهل ایجاد حریق و تخریب‌اند به سوی وحشت بزرگ» (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۶۹۰، ۵۷/۵/۲۸: ۳۷). اگرچه با گذشت چهار دهه از انقلاب هنوز مسئولیت این آتش‌سوزی روشن نشده، اما امام‌خمینی^(ره)، شاه را مسئول این جنایت دانست: «گفتار شاه که تظاهرکنندگان مخالف من "وحشت بزرگ" را وعده می‌دهند و تکرار آن پس از واقعه، همان وعده بوده است و شاهد دیگری بر توطئه است» (امام‌خمینی^(ره)، ۱۳۷۹، ج ۳: ۶-۴۴۵). این رخداد پیامدهای منفی برای رژیم داشت. لیزیرگود در روزنامه گاردین در مقاله‌ای با حروف درشت پیش‌بینی کرده بود: «حریق آبادان می‌تواند شاه را سرنگون کند» (راجی، ۱۳۸۱: ۲۸۰).

۲- آغاز تظاهرات و نا آرامی‌ها در نوزدهم و بیست و یکم ماه مبارک رمضان

در روز نوزدهم رمضان، سالروز ضربت خوردن امام علی(ع)، همزمان با دوم شهریور، در تهران، تبریز، رشت و بیشتر شهرستان‌ها، راهپیمایی‌های چند هزار نفری انجام گرفت (دوانی، ۱۳۷۷، ج ۷: ۲۹۰). در بیست و یکم رمضان شهرهای تهران، قم، رشت، باختران، همدان، کاشان، زنجان، قصرشیرین، یزد، ارسنجان، تبریز، کاشمر، کرج، ساری، علی‌آباد گرگان و شهرری، شاهد تظاهرات گسترده مردم علیه رژیم بود (کرباسچی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۸۹۰). در آبادان مراسم هفت کشته‌شده‌گان سینما رکس آبادان، به تظاهرات علیه رژیم تبدیل شد. در این تظاهرات یک نفر کشته و هفت نفر زخمی شدند. همچنین یک بازار به کلی آتش گرفت. همزمان دانشجویان در مقابل سفارت ایران در لندن راهپیمایی کردند؛ به طوری که در رسانه‌های جمعی آنجا انعکاس فراوانی یافت (روحانی، ۱۳۸۷: ۴۵۳).

۳- روی کار آمدن شریف‌امامی (دولت آشتی ملی)

دولت آموزگار در بیست و دوم رمضان (پنجم شهریور)، در نتیجه ناآرامی‌ها سقوط کرد و جعفر شریف‌امامی به نخست‌وزیری رسید. این انتخاب واکنش‌های گوناگونی در میان شخصیت‌های سیاسی و نخبگان جامعه به همراه داشت. بختیار و ثابتی، این انتخاب را از خطاهای بزرگ شاه و فرصت‌سوزی دانستند (بختیار، ۱۳۸۰: ۳۲؛ ثابتی، ۱۳۹۰: ۴۴۴). فردوست آن را بهترین گزینه نخست‌وزیری بیان می‌کند (فردوست، ۱۳۷۹: ۵۷۹). شاه، برکناری آموزگار را اشتباهی سیاسی و از سرناچاری دانست (پهلوی، ۱۳۸۰: ۳۹۵). پارسونز نیز انتخاب شریف‌امامی را فریب افکار عمومی بیان کرد (پارسونز و سولیوان، ۱۳۷۳: ۳۴۳). شریف‌امامی دولت خود را «آشتی ملی» نامید و برنامه‌اش را سازش میان گروه‌های مختلف خواند. وی همزمان تغییراتی در شکل برخورد ظاهری رژیم با مسایل و مشکلات جامعه، ایجاد و برای نزدیکی به روحانیون و پیدا کردن راهکاری با مشارکت آن‌ها تلاش کرد. این در حالی است که تا آن تاریخ شاه و نخست‌وزیرانش حاضر نبودند کمترین توجهی به روحانیت و مبارزات آن‌ها کنند. از نظر آن‌ها روحانیان مرتجع و به دو جناح پایبند به قانون اساسی و خارج از این قاعده تقسیم می‌شدند. این جناح‌بندی بیشتر در راستای جداسازی مراجع و روحانیون از یکدیگر بود. موضوعی که روزنامه اطلاعات نیز به آن پرداخت:

«اساس قضیه، در رهبری مثلث قم است. اگر شریف‌امامی بتواند با قم کنار بیاید و به تفاهم، حتی تفاهم نسبی و تدریجی برسد، شرایط مساعدی برای حل و فصل مشکلات سیاسی و اجتماعی مختلف به وجود خواهد آمد... تفاهم با مثلث رهبری قم در چارچوب قانون اساسی مقدور است و هنوز هم روشن نیست که جناح دیگر که خارج از قانون اساسی مسایل را مطرح می‌کنند در چه موقعیت و جریانی قرار خواهند گرفت» (روزنامه‌اطلاعات، شماره ۱۵۶۹۶، ۵۷/۶/۵: ۳۲).

دو روز پس از انتخاب شریف‌امامی، در بیست و چهارم رمضان/ هفت شهریور، تصویر بزرگی از امام خمینی^(ه) در صفحه اول روزنامه کیهان چاپ شد و در یادداشتی آمد: «گزارش‌ها حاکی از آن است، که هیئتی از طرف دولت عازم نجف شده است. هیئت اعزامی می‌کوشد، نظر موافق حضرت آیت‌الله خمینی را به بازگشت جلب کند، اما از عکس‌العمل حضرت آیت‌الله هنوز خبری نیست» (روزنامه‌کیهان، شماره ۱۰۵۴۹، ۵۷/۶/۵: ۱). آن روز به خاطر چاپ تصویر امام خمینی^(ه) و ذکر نامش در روزنامه کیهان، تیراژ روزنامه به بیسابقه‌ترین میزان (یک میلیون و دویست هزار نسخه) رسید (امام خمینی^(ه)، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۱). شریف‌امامی با آزادی مطبوعات و انتشار تصاویر بزرگ از امام خمینی^(ه) و چاپ گزارش‌های مربوط به فعالیت‌ها و سخنان ایشان، تا حدودی حرکات مخالف رژیم را تسریع کرد (فوزی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۴۵؛ امجد، ۱۳۸۰: ۲۰۳). این اقدامات بیشتر جنبه نمایشی و برای آرام کردن افکار عمومی و کنترل اوضاع بود. بنابراین تأثیر چندانی بر محبوبیت و موقعیت شریف‌امامی در نزد روحانیون و مردم نداشت. ثابتی (۱۳۹۰: ۴۴۶) می‌نویسد: «من با بیانیه‌های دولت و تلاش بیش از اندازه دولت برای راضی کردن آخوندها مخالف بودم، روشی که دولت در پیش گرفته نشان‌دهنده ترس و شتاب‌زدگی است». امام خمینی^(ه) اقدامات شریف‌امامی را وعده پوچ و بی‌ارزش خواند و مطالبه افکار عمومی را برکناری شاه و رژیم پهلوی بیان کرد. امام^(ه) موضع صریح خود را نسبت به دولت شریف‌امامی در پیامی بدین مضمون آورد:

«در محیطی حکومت آشتی ملی اعلام نمودند که توپ‌ها و مسلسل‌ها توسط ارتش و سایر مأموران در شهرستان‌ها مشغول سرکوبی ملت است. ملتی که حقوق اولیه بشر و اجرای احکام اسلام را خواستار است. امر بی‌ارزش بستن قمارخانه‌ها نیرنگ دیگری است برای اغفال جناح روحانی... در محیطی قمارخانه را به خاطر اسلام می‌بندند که تمام مراکز فحشا به قوت خود باقی است. جناح‌های سیاسی و جبهه‌ها و نهضت‌ها نخواهند آشتی کرد و نمی‌توانند

آشتی کنند که آشتی به اسارت کشیدن ملت و از دست دادن مصالح کشور است. آشتی کنیم که خون عزیزان اسلام را هدر بدهیم؟» (امام خمینی^(ره)، ۱۳۷۹، ج ۳: ۴۵۱-۴۴۹).

۴- نماز عیدفطر

پیش از پرداختن به نماز عیدفطر و تأثیرگذاری و انعکاس آن در سطح گسترده داخلی و بین‌المللی، باید به عوامل اصلی در برپایی این نماز پرداخت. مجتمع اسلامی فاطمیه^(س) و مسجد قبا، دو کانون پر جوش و خروش انقلاب در رمضان ۱۳۵۷ و مهمترین سنگر مبارزاتی مردم علیه رژیم بودند. آن‌ها نقش اساسی در برپایی نماز باشکوه عیدفطر در تهران داشتند. مجتمع اسلامی فاطمیه^(س) با مدیریت علامه نوری و مسجد قبا با ابتکار و مدیریت شهید مفتاح هدایت می‌شد. این دو کانون، در طی ایام ماه مبارک رمضان به‌ویژه برای عیدفطر، برنامه‌های وسیعی تدارک دیده بودند (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۴۸۹).

۴-۱- مجتمع اسلامی فاطمیه^(س)

مجتمع اسلامی فاطمیه^(س) از سنگرهای مبارزه مردم بر علیه رژیم در رمضان ۱۳۵۷ بود. این مجتمع در نزدیکی میدان ژاله، شامل حسینیه و حوزه علمیه بود. بنیانگذار آن علامه یحیی نوری، در ماه رمضان و جمعه‌ها در آن برنامه‌های گوناگونی برگزار می‌کرد. قرار گرفتن این مجتمع در نزدیکی میدان ژاله و تأثیرگذاری آن در واقعه میدان ژاله (شهدا) قابل تأمل است؛ زیرا افرادی که در نخستین جمعه پس از ماه مبارک رمضان عازم شرکت در مراسم مجتمع معارف اسلامی بودند، بخش زیادی از شهدای میدان ژاله را شکل دادند. علامه نوری در کتاب «ریشه‌های انقلاب و شرحی بر واقعه هفده شهریور» می‌آورد: «ویژگی‌های حکومت اسلامی یا حکومت در اسلام را بحث شب‌های رمضان قرار دادم. چون بحث، بحث روز و حساس بود. از نقاط گوناگون شهر حتی شهرستان‌ها سیل جمعیت به خیابان ژاله محل حسینیه و سخنرانی ما سرازیر شدند. به‌ویژه پس از تعطیل شدن چند مجلس مهم و تعطیل شدن مسجد قبا که مرکز سخنرانی بازرگان و دوستان ایشان بود» (نوری، ۱۳۸۱: ۲۵۹) «نوشته‌ها و خطابه‌های صریح اینجانب بر لزوم تغییر شاهی به حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی از عواملی بود که ساواک و حکومت نظامی را واداشت که به اینجانب و جمعی از اصحاب و جمعیت مجلس ما در صبح هفده شهریور هجوم ببرند» (نوری، ۱۳۸۱: ۲۷۶).

در بیست و پنجم رمضان (هشتم شهریور)، ساعت ۲۳:۳۰، پس از پایان مراسم سخنرانی آقای یحیی نوری، تظاهراتی از سوی جمعیتی حدود دو هزار و پانصد نفر در خیابان ژاله برگزار شد. تظاهرکنندگان ضمن سردادن شعارهایی در حمایت از امام، اعلامیه‌هایی توزیع کردند و سرانجام با دخالت مأموران متفرق شدند (مرادپور، ۱۳۸۷: ۳۸۷). در بیست و هفتم رمضان/دهم شهریور، پس از پایان مراسم، پیشامدی رخ داد که شرح آن در روزنامه اطلاعات به نقل از آقای نوری چنین آورده شده است:

«دیشب بنا به رسم سه چهار شب گذشته ده‌ها هزار نفر در گرداگرد منزل حضور داشتند. این جمعیت که سراسر آب سردار و خیابان ژاله، عین‌الدوله و قسمتی از میدان ژاله را پر کرده بودند، مثل شب‌های پیش آمده بودند تا سخنان مرا در زمینه توجیه و تفسیر معارف اسلامی و روشن کردن مواضع روحانیت در شرایط کنونی بشنوند و مسایل خود را مطرح کنند. پس از پایان سخنرانی مردم مثل هر شب به توصیه من با آرامش به سوی خانه‌ها و منازل خود رهسپار شدند و این آرامش همه شب وجود داشت؛ چرا که ما نمی‌خواستیم بهانه‌ای به دست کسی بدهیم. جماعتی که به شرق تهران می‌رفتند در نزدیکی میدان ژاله مشاهده کردند که سطح خیابان از خاک‌اره‌های آغشته به بنزین پوشیده است. ناگهان این خاک‌اره‌های آغشته شعله کشید و مردمی که به راه خود می‌رفتند وحشت زده متفرق شدند. مأموران در همین لحظه سر رسیدند و با تیراندازی به طرف جمعیت چند تن را کشتند. گروهی را مجروح کردند. گروهی که مصدوم شده بودند با کمک مردم به بیمارستان‌ها حمل شدند ولی مأموران مجروحین را از مردم گرفتند. در حال حاضر جنازه‌های کشته شده در مساجد اطراف به امانت گذاشته و تعداد مجروحین معلوم نیست» (روزنامه‌اطلاعات، شماره ۱۵۷۰۱، ۵۷/۶/۱۱، ۴).

پس از این ماجرا مردم دست به تظاهرات پراکنده زدند و در روزهای پس از آن تظاهرات گسترش یافت. در روز بیست و نهم رمضان/دوازده شهریور نیز تعدادی کشته و زخمی شدند. در اسناد ساواک آورده شده است:

«حدود ساعت ۲۲:۰۰، روز دوازدهم شهریور در حالی که تعدادی در حدود ۱۵ نفر در مجتمع معارف اسلامی و میدان ژاله اجتماع کرده بودند، شیخ یحیی نصیری نوری مطالبی ایراده کرده که اهم آن به شرح زیر است: در مورد کشته‌های دیروز (میدان ژاله)، در مورد برگزاری نماز عید فطر در همین مکان و در قسمتی از سخنرانی‌اش خطاب به سربازان گفت:

شما خوب است با دشمنان ایران بجنگید... مجدداً به دولت حمله و ادامه داد خدایا شر این حکومت غاصب را از سر این ملت مسلمان کم کن. در نتیجه تحریکاتی که در مسجد قبا (بانیان آن از طرفداران جمعیت به اصطلاح نهضت آزادی هستند) و مجتمع معارف اسلامی (به رهبری شیخ یحیی نصیری نوری- واقع در میدان ژاله تهران) و برخی مراکز دیگر انجام گرفت، ابتدا به تظاهرات موضعی و پراکنده و سپس به تظاهرات گسترده قشریون مذهبی در میدان ژاله انجامید که در این تظاهرات دو نفر از اخلاگران کشته و تعدادی از تأسیسات دست خوش آتش سوزی و خسارت گردید» (رجال عصرپهلوی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۵: ۶۰۴-۵).

روزنامه کیهان نیز در این باره می‌آورد: «علامه نوری با استناد به گزارش شهود عینی، تعداد شهدای درگیری روز گذشته میدان ژاله را ده نفر اعلام کرد و تأکید نمود تعداد مجروحین نیز از صدوپنجاه نفر بیشتر هستند» (روزنامه کیهان، شماره ۱۰۵۵۵، ۱۳/۶/۵۷: ۲). علامه نوری درباره رخدادهای شب آخر ماه مبارک رمضان بیان می‌کند:

«در شب عیدفطر وقتی برای سخنرانی برخاستم، برای نخستین بار اعلام کردم که من نام این میدان را میدان شهدا می‌گذارم؛ چه دستگاه حاکمه و شهرداری وابسته به رژیم بپذیرد چه نپذیرد! همین قدر که ملت بپذیرد، کافی است. اینجا بود که مردم به هیجان آمدند و با فریاد «صحیح است- صحیح است» اعلام حمایت کردند. همان شب مردم، حدود صدتا مقوا تهیه کردند و رویش نوشتند: میدان شهدا و به جای تابلوی میدان ژاله نصب کردند» (خاطرات یحیی نوری، ۹۱/۸/۲۰).

۴-۲- شرح رخدادهای عیدفطر (برپایی نماز و راهپیمایی)

نماز عیدفطر ۱۳۵۷ و تظاهرات پس از آن، نقطه‌ای عطف در تاریخ انقلاب اسلامی ایران است. این نماز و راهپیمایی با برنامه‌ریزی‌های منسجم گروهی از انقلابیون با محوریت و ابتکار آیت‌الله محمد مفتاح برگزار شد که آن زمان در مسجد قبا فعالیت داشت (نیکبخت، ۱۳۸۳: ۵۹). ایشان شب قبل از عیدفطر در مسجد قبا سخنرانی کرد و از جمعیت حاضر درخواست نمود، فردا ساعت هفت صبح جهت راهپیمایی طولانی به طرف محل نماز عید در قیطره و در مسجد حاضر شوند (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲: ۴۸۹). دستگاه امنیتی که موضوع را جدی و احتمال راهپیمایی پس از نماز را تشخیص داده بود، برای جلوگیری از تجمع و راهپیمایی اقدام به شایعه‌پراکنی نموده و دستوری با این مضمون داد: «چنانچه در روز

عیدفطر دسته‌جاتی به تظاهرات پرداختند، آن‌ها را به گلوله ببندید» (بهبودی، ۱۳۸۴: ۲۰).

در روز عیدفطر افزون‌بر قیطره، در نقاط دیگری از تهران نیز نماز عید برگزار شد و نمازگزاران پس از نماز در صفوفی منظم به راهپیمایان قطریه پیوستند. در شرق تهران و در خیابان ژاله، مردم با اقتدا به علامه نوری نماز را به جای آوردند. وی پس از نماز طی سخنانی گفت: «با آنکه بیمار و ممنوع‌الملاقات بودم، اما به خواست پروردگار و دعای شما توانستم در این اجتماع بزرگ حضور یابم» (روزشمار انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۷۹). وی همچنان که مردم را به تظاهرات آرام دعوت می‌کرد، یادآور شد: «متأسفانه در صفوف شما رخنه کردند و با ایجاد خرابکاری قصد دارند به اصالت کار و حرفای شما لطمه وارد سازند. به همین سبب حکم شرعی می‌کنم که آرامش را کاملاً رعایت کنید» (روزشمار انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۷۹). در غرب تهران، در بیابان حاشیه بزرگراه محمدعلی جناح، نماز عید برگزار شد. روزنامه اطلاعات درباره برگزاری نماز عیدفطر در خیابان ژاله گزارش کرد:

«ساعت شش و چهل و سه دقیقه بیش از صد هزار نفر از طبقات مختلف مردم تهران که برای نماز عیدفطر به ایستگاه آب‌سردار خیابان ژاله آمده بودند، پس از پایان مراسم نماز، دست به تظاهرات وسیع و آرامی زدند... در رأس صف طویل تظاهرکنندگان خیابان ژاله تعدادی پیراهن آغشته به خون روی چند چوب‌دستی آویزان بود... پس از بازگشت مجدد تظاهرکنندگان به آب‌سردار، علامه نوری حدود دو ساعت و نیم سخنرانی کرد. وی سپس پیشنهاد کرد به خاطر کشتارهای زیادی که در میدان ژاله شده است، نام این میدان را به شهدا تغییر دهند. علامه نوری همچنین روز پنجشنبه را عزای عمومی و ملی اعلام کرد» (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۷۰۳، ۱۴/۶/۵۷: ۴).

مردمی که نماز عیدفطر را در تپه‌های قیطره به جا آورده بودند، نماز ظهر و عصر را در طول خیابان ولیعصر (عج) فعلی به سمت بالا با چنان صلابتی برگزار کردند که گویی تمام حاکمیت در دست آنان است (عباسی، ۱۳۸۹: ۱۳۴). در این روز، ناطق، روحانی جوان، به نام هادی غفاری بود که سر دست مردم با وسیله نقلیه با شجاعت و بی‌باکی فریاد می‌زد «بگو مرگ بر شاه» یا سرودی با این آهنگ «بیا که بر هم زنیم سلطنت پهلوی» سر می‌داد و هزاران نفر پاسخ می‌دادند (دوانی، ۱۳۷۷، ج ۷: ۲۸۱).

این راهپیمایی تنها در تهران نبود و در همه شهرها انجام شد. آنچه در تهران موجب وحشت رژیم شد، حضور میلیونی مردم بود و تهران، هرگز چنین جمعیتی به خود ندیده بود.

مسئله‌ای که موجب شد رژیم به فکر چاره بیافتد. در پایان این راهپیمایی، تظاهرکنندگان خواستار برگزاری تظاهراتی دیگر در شانزدهم شهریور شدند، اما دولت شریف‌امامی هرگونه اجتماع را ممنوع اعلام کرد (نعمتی‌زادگان، ۱۳۸۴: ۱۲۶). امام‌خمینی^(ره) به مناسبت راهپیمایی عیدفطر خطاب به ملت ایران پیامی دادند که به سرعت در سطح کشور پخش شد. وی ضمن تبریک عیدفطر بیان کردند:

«عیدفطر امسال عید حماسه و جنبش هرچه بیشتر تمام جناح‌های ملت ایران بود. ملت عظیم‌الشان ایران، نهضت خود را ادامه داده و هرگز سستی به خود راه ندهید که نمی‌دهید. مطمئن باشید به امید خدا پیروزی و سرافرازی نزدیک است. پس از ماه مبارک رمضان گمان نشود که تکلیف الهی فرق کرده است. به حرف‌های فریبنده شاه و دولت و طرفداران اندک آنان گوش ندهید که جز برای به دست آوردن فرصت‌های شیطانی چیزی نیست» (امام‌خمینی^(ره)، ۱۳۷۹، ج ۳: ۷-۴۵۴)

روزنامه‌های اطلاعات و کیهان درباره راهپیمایی عیدفطر چنین گزارش دادند:

«بزرگترین راهپیمایی تاریخ ایران با شرکت جمعیتی فراتر از سه میلیون نفر، در سراسر کشور برگزار شد... در این تظاهرات مهمترین نکته حفظ آرامش مردم و کمک نظامیان به ادامه این تظاهرات آرام و راهپیمایی بود... تظاهرات در اکثر شهرها مسالمت‌آمیز و بدون برخورد بود. در راهپیمایی مسالمت‌آمیز تهران، احزاب و جمعیت‌های سیاسی همگی مشارکت داشتند و حافظ نظم بودند» (روزنامه‌اطلاعات، شماره ۱۵۷۰۳، ۵۷/۶/۱۴: ۴).

«بزرگترین راهپیمایی سیاسی - مذهبی تاریخ ایران، دیروز در تهران برگزار شد... خبر تظاهرات دیروز به عنوان یک نمایش بزرگ و بی‌سابقه به سراسر جهان مخابره شد...» (روزنامه‌کیهان، شماره ۱۰۵۵۶، ۵۷/۶/۱۴: ۴)

نماز عیدفطر افزون‌بر روزنامه‌های داخلی، در خبرگزاری‌های خارجی نیز دارای بازتاب گسترده‌ای بوده و خبرنگاران خارجی را به شگفتی واداشت. به همان نسبت هم دستگاه رژیم دچار وحشت و سردرگمی شد (بازرگان، ۱۳۶۳: ۳۴). این رویداد مهم، دولت‌های خارجی را به نقش گروه‌های مذهبی و رهبری امام‌خمینی^(ره) واقف‌تر ساخت. (بهنود، ۱۳۷۴: ۷۸۲)، در این زمینه در کتابش آورده است: «مجموع تأثیرات راهپیمایی عیدفطر تا روزها پس از آن واقعه، در سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس، فرانسه، اسرائیل، روسیه و کشورهای دیگری که خود را به نحوی علاقه‌مند به رویدادهای ایران می‌دیدند، بررسی می‌شد و توجه اصلی از گروه‌های

سیاسی به جانب نجف و تهران برگشت». رادیو لندن در مورد این تظاهرات گزارش داد: «...در بسیاری از شهرستان‌ها نیز هزارن تن دست به تظاهرات زده بودند، بدون اینکه واقعه‌ای پیش بیاید. فقط در سه و چهار شهر خصوصت‌ها منجر به قتل اشخاصی شد. پنج تن در ایلام، دو تن در کرج و یک تن در شهر قم کشته شدند» (روزنامه‌اطلاعات، شماره ۱۵۷۰۴، ۵۷/۶/۱۵: ۲۴). سولیوان سفیر امریکا درباره‌ی نظم این راهپیمایی می‌گوید:

«راهپیمایی عیدفطر به عنوان یک دمنستراسیون و نمایش خیابانی در تاریخ نوین ایران بی‌سابقه بود، حداقل یک صد هزار نفر در این راهپیمایی شرکت کرده بودند. نظم این راهپیمایی فوق‌العاده و شبیه یک رژه نظامی بود. مأموران انتظامی این راهپیمایی جوانانی بودند که بیشتر سوار بر موتورسیکلت‌های هوندا صفوف راهپیمایان را منظم می‌کردند و در سر چهارراه‌ها و تقاطع‌ها راه عبور و مرور وسایل نقلیه را برای حرکت راهپیمایان مسدود می‌کردند. عده‌ای از مأموران انتظامی راهپیمایی مجهز به وسایل مخابراتی «واکی - تاکی» بودند. پیش‌بینی‌های لازم برای تأمین آب خنک به عمل آمده بود و عده‌ای هم با بلندگو برای هماهنگ ساختن شعارهای راهپیمایان بین آن‌ها حرکت می‌کردند به طور خلاصه این راهپیمایی نمایشی از قدرت مخالفان مذهبی شاه و تشکیلات قوی و منظم آن‌ها بود» (پارسونز و سولیوان، ۱۳۷۳: ۱۴۸).

۵- تظاهرات شانزدهم شهریور

به دنبال ناآرامی‌ها و راهپیمایی که در روز عیدفطر در بسیاری از شهرها انجام شد، دولت برگزاری هرگونه اجتماعی را ممنوع اعلام کرد. روزنامه رستاخیز وضعیت کشور به‌ویژه شهرهای تبریز، قم، کرمانشاه، خرم‌آباد و مشهد را در روز پانزدهم شهریور آرام گزارش داده است (روزنامه رستاخیز، شماره ۱۰۰۷، ۱۳۵۷/۶/۱۵: ۴). اما به دلیل کشتار مردم، جامعه روحانیت مبارز تهران تصمیم به برگزاری راهپیمایی در روز پنجشنبه، شانزدهم شهریور از قیطره تا میدان آزادی می‌گیرد. در نگاه اول به نظر می‌رسد، در برگزاری این راهپیمایی بین روحانیت هماهنگی وجود نداشت. روزنامه رستاخیز گزارش داد: «شایعه تعطیل عمومی اعلام شده از سوی پنج تن از آیات عظام تکذیب شد» (روزنامه رستاخیز، شماره ۱۰۰۷، ۱۳۵۷/۶/۱۵: ۴). روزنامه اطلاعات نیز می‌آورد: «سخنگوی آیت‌الله علامه شیخ یحیی نوری اعلام نمودند که

هیچ‌گونه نوشته یا اعلامیه خاصی از جانب ایشان در مورد تعطیلی فردا صادر نشده و آنچه به امضای ایشان نشر یافته تکذیب می‌شود. البته برگزاری عمومی یا تعطیل به اراده مردم بستگی دارد» (روزنامه‌اطلاعات، شماره ۱۵۷۰۴، ۱۳۵۷/۶/۱۵: ۴). اما روحانیت حوزه علمیه قم اعلامیه‌ای منتشر کردند که در بخشی از آن آمده است:

«...حوزه علمیه قم با الهام از نیت مقدس مراجع عظام به خصوص رهبر اندیشمند و قائد بزرگ عالم تشیع حضرت امام خمینی به عنوان شدیدترین ابزار انزجار و اعتراض نسبت به رژیم غیرقانونی و منفور شاه روز پنجشنبه شانزدهم شهریور را تعطیل و عزای عمومی اعلام نموده...» (اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۵۵۵).

روزنامه اطلاعات در روز پس از آن (شانزدهم شهریور) گزارش داد:

«امروز منابع نزدیک به حضرات آیات عظام در قم تأکید کردند، منظور از تکذیب مراجع تقلید در قم تحریم روز پنجشنبه نبوده است، بلکه چون شایع شده بود که اعلامیه تعطیل عمومی به امضای حضرات آیات عظام شریعتمداری، گلپایگانی و نجفی‌مرعشی نیز رسیده، این مراجع خبر اعلام اعلامیه از سوی خود را تکذیب کردند. در توضیح حضرت آیت‌الله نوری نیز به صراحت آمده بود، هرگونه عزای عمومی یا تعطیل بازار به اراده مردم بستگی دارد اما ایشان اطلاعیه یا اعلامیه‌ای صادر نکرده‌اند» (روزنامه‌اطلاعات، شماره ۱۵۷۰۵، ۱۳۵۷/۶/۱۶: ۴).

علامه نوری در کتاب خاطراتش این خبر را تکذیب و نوشته است:

«عصر روز پنجشنبه، بدون اطلاع ما یا سؤال از دفتر، اقدام به درج مطلبی در صفحه دو نمودند که مضمون آن این بود که آقای نوری، از اعلام این تعطیلی، اطلاعی ندارند. رادیو هم طی اخبار ساعت پنج یا شش، روز چهارشنبه اطلاع داد که دفتر آیت‌الله نوری، تعطیلی فردا را تکذیب کرده است. ما برای مقابله با این خبر دروغ، به همان جمع هفتصد نفری‌مان که کار انتظامات را به عهده آن‌ها گذاشته بودیم، متوسل شدیم و به آن‌ها گفتیم که باید بعضی از شما در دفتر و محل کار ما اطراق کنید و رادیو را تلفن باران نمایید و با عبارت‌های گوناگون آن‌ها را تهدید کنید و طوری وانمود نمایید که گویی اقشار مختلف مردم از اقصی نقاط کشور با رادیو تماس می‌گیرند و حرفشان هم این باشد که شما باید این خبر دروغ را تکذیب کنید و توهم فاصله‌گیری آقای نوری را از علما در خصوص تعطیلی روز پنجشنبه برطرف نمایید... رادیو ناچار به تکذیب خبر شد» (خاطرات یحیی نوری، ۹۱/۸/۲۰).

با وجود این اختلافات برای اعلام عزای عمومی یا برپایی راهپیمایی با فرارسیدن صبح روز شانزدهم شهریور، جمعیت زیادی در خیابان‌ها حاضر بودند. طبق گزارش‌های ساواک، تظاهرات این روز از منطقه قیطریه، ونک، پهلوی (ولیعصر^(عج))، ژاله و مناطق جنوب شهر شروع شد و در شاهرضا (انقلاب) و آیزنهاور (آزادی) به هم پیوستند و ساعت ۱۸:۳۰ به میدان شهید (آزادی) رسیدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۲، ج ۳: ۷-۵). در قیطریه تظاهرات از ساعت ۹ صبح شروع شد و دکتر مفتاح مسؤلیت اداره راهپیمایی را بر عهده داشت. حسینیه ارشاد نقطه تلاقی مردم و ارتش شد. مردم برای اولین بار فریاد زدند: «ارتش برادر ماست، خمینی رهبر ماست» (غفاری، ۱۳۷۴: ۲۸۱؛ طحان، ۱۳۸۶: ۴۰). پس از زخمی شدن دکتر مفتاح، شهید بهشتی حرکت را تا میدان آزادی ادامه داد و در آنجا به سخنرانی پرداخت. در ادامه گزارش‌های ساواک آمده است:

«مردم، تابلوهای خیابان شاهرضا (انقلاب) را محو و روی آن نوشتند «خیابان خمینی» و در مقابل دانشگاه صنعتی آریامهر شعار می‌دادند «دانشگاه خمینی» و تابلوهای خیابان آیزنهاور را به خیابان «شریعتی و خمینی» تبدیل کردند و میدان شهید را میدان آزادی نامیدند. در خیابان آیزنهاور مرتباً اعلام می‌کردند که جمعیت فردا صبح در خیابان شهدا نامی که تظاهرکنندگان به خیابان ژاله داده‌اند- اجتماع کنید» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۳، ج ۴: ۷-۵).

شاه با هلیکوپتر از تظاهرات دیدن کرد و پس از پایان راهپیمایی، با مشاورین به چاره‌جویی پرداخت. شاه در گفت‌وگوی تلفنی با دکتر علی امینی از وی پرسید: «این مردم (جمعیت ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفری که تخمین زده بود) چه می‌گویند؟ چرا علیه من شعار می‌دهند؟ من که همه جور حاضر به انجام خواسته‌های مردم شده‌ام و وعده انتخابات آزاد را داده‌ام». امینی در پاسخ می‌گوید: «واقعیت این است که جمعیت از میلیون تجاوز کرده است و کار از این حرفا گذشته است» (سفری، ۱۳۷۷: ۳-۶۹۲). از سوی دیگر، فرماندهان نظامی به شاه فشار آوردند که جمعیت راهپیمای امروز به راحتی می‌توانست عمارت مجلس و تأسیسات رادیو-تلویزیون را به کنترل خود درآورند، بنابراین به فکر چاره‌ای اساسی باشید و هر چه زودتر در تهران حکومت نظامی اعلام کنید. شاه به منظور جست‌وجوی راهکار اساسی دستور تشکیل جلسه شورای امنیت ملی را داد. جلسه‌ای که خروجی آن، حکومت نظامی در تهران و یازده شهر دیگر شد و سبب بروز رخداد هفده شهریور گردید. راهپیمایی‌ها نتایج گوناگونی

به همراه داشت؛ از جمله می‌توان غلبه عنصر اسلامیت و تأثیرگذاری مذهب، فاصله گرفتن از مدعیان رهبری خلق و حذف شعارهای کمونیستی را برشمرد. بهنود آورده است «در صدها مسجد تهران، دسته‌هایی جمع می‌شدند که ساعتی پس از آن در پیچ هر خیابان به هم پیوستند» (بهنود، ۱۳۷۴: ۷۷۱). اطلاعات گزارش می‌دهد: «در این روز زیر پل سیدخندان یک شعار کمونیستی بر روی پارچه علم شد که بلافاصله مردم آن را پایین کشیدند» (روزنامه اطلاعات، شماره ۱۳۵۷/۶/۱۶، ۱۵۷۰۵، ۴).

نتیجه‌گیری

ماه مبارک رمضان جزء ظرفیت‌های سرنوشت‌ساز مبارزه در راستای پیروزی انقلاب اسلامی بود. بهره‌گیری از توان مساجد، بسیج مردمی و برگزاری جلسات سخنرانی در راستای افشای ماهیت رژیم و زمینه‌سازی برای برگزاری نماز عید و گسترش تظاهرات از عمده فعالیت‌های این ماه است. باید گفت، تظاهرات روزهای شانزدهم و رخدادهای هفده شهریور و مجموعه رویدادهای پس از آن تأثیرات مستقیم برپایی نماز عیدفطر است. رویدادهایی که به تداوم شیوه مبارزاتی انقلابیون مبنی بر ورود توده‌های مردم (راهپیمایی مردمی)، به صحنه مبارزه با رژیم انجامید. این رویدادها رژیم پهلوی را با چالشی عمده مواجه ساخت و مشروعیتش را به چالش کشیده و آسیب‌های شدیدی به وجهه بین‌المللی آن وارد نمود و سرانجام باعث تسریع در سقوط رژیم گردید. رخدادهای متعدد ماه مبارک رمضان، همچون آتش‌سوزی سینما رکس آبادان (چهاردهم رمضان)، نماز عیدفطر (سیزدهم شهریور)، تظاهرات شانزدهم شهریور و سرانجام جمعه سیاه، زنجیره‌ای از مهم‌ترین تحولات بودند که جریان انقلاب را به سر منزل مقصود رساندند. پویایی نهضت، حضور مردم، نقش رهبری امام خمینی^(ره)، جدیت و وحدت علما و روحانیون در تبعیت از مرجعیت حضرت امام^(ره)، شکسته شدن شکوه ظاهری رژیم پهلوی و غلبه عنصر مذهبی بر دیگر جناح‌ها و گرایش‌های سیاسی، برخی از مهم‌ترین ثمرات ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۷ هستند.

کتابنامه

- اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۷۴). جلد ۴، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (۱۳۸۳). جلد ۳ و ۴، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- امام خمینی (ره) (۱۳۷۸). مجموعه سخنرانی‌های امام خمینی (ره)، جلد ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- امام خمینی (ره) (۱۳۷۹). صحیفه نور، جلد ۳، تهران: عروج.
- امجد، محمد (۱۳۸۰). ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری، ترجمه حسن مفتخری، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- امیری، سروش (۱۳۹۷). بررسی انقلاب‌های کشورهای اسلامی با تأکید بر انقلاب اسلامی و انقلاب‌های عربی، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۲۵، صص ۲۸-۷.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۳). انقلاب ایران در دو حرکت، تهران: مؤلف.
- بختیار، شاپور (۱۳۸۰). خاطرات شاپور بختیار، ویراستار حبیب لاجوردی، مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد، تهران: زیبا.
- بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۸۴). نشست تخصصی ۱۷ شهریور، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- بهنود، مسعود (۱۳۷۴). دولت‌های ایران از سیدضیاء تا بختیار، تهران: جاویدان.
- پارسونز، آنتونی و ویلیام سولیوان (۱۳۷۳). خاطرات دو سفیر، ترجمه محمود طلوعی، تهران: علم.
- پرهام، سیروس (۱۳۵۷). انقلاب و مبانی رهبری امام خمینی (ره)، تهران: امیرکبیر.
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۸۰). پاسخ به تاریخ، به کوشش شه‌ریار ماکان، تهران: البرز.
- ثابتی، پرویز (۱۳۹۰). در دامگه حادثه، به کوشش عباس قانع‌فرد، آمریکا: شرکت کتاب.
- خواجه نایینی، علی؛ هاشمی، صفیه سادات و ترکشوند، مهدی (۱۳۹۷). فرا تحلیل مطالعات انقلاب اسلامی در ایران؛ بررسی چرایی و چگونگی پیروزی انقلاب اسلامی ایران از منظر پژوهشگران ایرانی، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۷، زمستان، صص ۶۶-۴۵.
- دوانی، علی (۱۳۷۷). نهضت روحانیون ایران، جلد ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- راجی، پرویز (۱۳۸۱). در خدمت تخت طاووس، ترجمه حسن کامشاد، تهران: طرح‌نو.
- روحانی، حسن (۱۳۸۷). خاطرات حسن روحانی، جلد ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- روزشمار انقلاب اسلامی (۱۳۷۸). دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، جلد ۵، تهران: حوزه هنری.
- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۶۹۰، ۱۳۵۷/۵/۲۸.
- ، شماره ۱۵۶۹۱، ۱۳۵۷/۵/۲۹.
- ، شماره ۱۵۶۹۶، ۱۳۵۷/۶/۵.
- ، شماره ۱۵۷۰۱، ۱۳۵۷/۶/۱۱.
- ، شماره ۱۵۷۰۳، ۱۳۵۷/۶/۱۴.
- ، شماره ۱۵۷۰۴، ۱۳۵۷/۶/۱۵.
- ، شماره ۱۵۷۰۵، ۱۳۵۷/۶/۱۶.
- روزنامه رستاخیز، شماره ۱۰۰۷، ۱۳۵۷/۶/۱۵.
- روزنامه کیهان، شماره ۱۰۵۴۹، ۱۳۵۷/۶/۵.
- ، شماره ۱۰۵۵۵، ۱۳۵۷/۶/۱۳.
- ، شماره ۱۰۵۵۶، ۱۳۵۷/۶/۱۴.
- ساواک و روحانیت (۱۳۷۱). تهران: حوزه هنری.
- سفری، محمدعلی (۱۳۷۷). قلم و سیاست، تهران: نامک.
- شکری، احمد (۱۳۸۹). تحولات سیاسی - اقتصادی نخست‌وزیری آموزگار، تهران: امیرکبیر.
- طحان، محمد (۱۳۸۶). تاریخ شفاهی قیام ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عباسی، محمدتقی (۱۳۸۹). نگرشی نو در تحلیل انقلاب اسلامی، تهران: شکوفه‌های دانش.
- غفاری، هادی (۱۳۷۴). خاطرات هادی غفاری، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- فردوست، حسین (۱۳۷۹). ظهور و سقوط پهلوی، تهران: اطلاعات.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۴). تحولات سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی، تهران: عروج.
- کرباسچی، غلامرضا (۱۳۷۱). هفت هزار روز تاریخ ایران و انقلاب اسلامی، جلد ۲، تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی.
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۱). تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد ۲، قم: دفتر نشر انتشار اسلامی.
- مرادپور، معصومه (۱۳۸۷). روزهای حماسه و نور، فصلنامه ۱۵ خرداد، دوره سوم، شماره ۱۶.
- ملایی، علیرضا (۱۳۷۷). بررسی تحلیلی رویداد ۱۷ شهریور ۵۷، پژوهشنامه متین، شماره ۱.
- نعمتی‌زادگان، مرتضی (۱۳۸۴). مبارزات شهید دکتر باهنر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

نوری، یحیی (۱۳۸۱). ریشه‌های انقلاب و شرحی بر واقعه ۱۷ شهریور، تهران: نوید نور.

نوری، یحیی (۱۳۹۱). خاطرات، سایت اینترنتی تاریخ ایران، دسترسی ۱۳۹۱/۸/۲۰:

www.tarikhirani.ir

نیکبخت، رحیم (۱۳۸۳). رمضان ۵۷ و مسجد قبا، مجله‌ی زمانه، شماره ۲۶.

یاران امام به روایت اسناد ساواک: شهید محمد مفتاح (۱۳۸۲). کتاب ۲۶، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.